

دوفصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره اول (پیاپی ۲۲)، بهار و تابستان ۱۳۹۹

صص ۲۷۴-۲۴۱

## نقش تعاون سیاسی-اجتماعی در رویارویی با بحران‌های اجتماعی از منظر اخلاق اسلامی

DOR:20.1001.1.23225580.1399.10.1.8.9

نوع مقاله: پژوهشی

سید کاظم سیدباقری<sup>۱</sup>، محمدجواد طالبی چاهوکی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۶

### چکیده

در مکتب اسلام، بر تعاون و همکاری داوطلبانه، تاکید فراوان شده است که یکی از نقش‌ها و کارکردهای اساسی آن، همیاری شهروندان و نظام سیاسی در حل بحران‌های اجتماعی است. این نوشته، به بررسی نقش تعاون سیاسی-اجتماعی در رویارویی با بحران‌های اجتماعی از منظر اخلاق اسلامی می‌نگرد. در فرضیه بر این امر تاکید شده است که نقش اصل اخلاقی تعاون سیاسی-اجتماعی را می‌توان در اموری مانند شفقت به شهروندان، افزایش همبستگی، احساس برادری، گشایش‌گری در بحران‌ها، گسترش روحیه مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری و همکاری شهروندان و دولت اسلامی در دستیابی به عدالت اجتماعی جستجو کرد. این امر با بهره از روش فهم موضوعی استخراجی بر اساس چهار محور «واژگان مستقیم» تعاون، «واژگان ضمنی و التزامی»، «دلالت‌های سیاقی و معنایی-مفهومی» و «مفاهیم مخالف» و توجه به سطح تحلیل شهروندی و دولتی، انجام شده که به فهم شبکه معنایی و همه‌جانبه تعاون سیاسی-اجتماعی به عنوان یکی از مفاهیم عمده در اخلاق سیاسی اسلامی یاری می‌رساند، امری که تا کنون کمتر مورد توجه بوده است.

**واژه‌گان کلیدی:** تعاون سیاسی-اجتماعی، تکافل، شفقت، بحران اجتماعی، شبکه معنایی، فهم موضوعی استخراجی.

۱- دانشیار گروه سیاست، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

sbaqeri86@yahoo.com

۲- پژوهشگر در حوزه علمیه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

## مقدمه

در دین اسلام بنیان و اساس نظام اجتماعی، بر تعاون، مواسات، همیاری و احسان به یکدیگر نهاده شده است و یکی از کارکردهای هر حکومتی نیز همکاری و همدلی با شهروندان شمرده می‌شود. گاهی جامعه با بحران‌هایی مانند ویروس کرونا، مواجه می‌شود که زندگی روزمره مردم را دچار اختلال می‌کند و مناسبات اجتماعی را دگرگون می‌سازد که می‌تواند معضلاتی چندگانه برای شهروندان به وجود آورد. در بحران‌های سیاسی و اجتماعی گاهی بدبینی اجتماعی، نابرابری و تبعیض عمق می‌یابد و گسل‌های اجتماعی فعال می‌گردد و گاه سرآغازی برای تعاون و همکاری در امور مختلف اجتماعی می‌شود. در این بین، میزان صداقت ادعایی حکومت‌ها و نوع دوستی شهروندان در همدلی، انسجام، مشارکت اجتماعی، تعاون و به طور کلی اخلاق سیاسی-اجتماعی به بوته آزمایش گذاشته می‌شود.

این تحقیق در پی بررسی این پرسش است که از منظر اخلاق اسلامی، نقش تعاون سیاسی-اجتماعی در رویارویی با بحران‌ها چیست و در پاسخ، با بهره از روش فهم موضوعی استخراجی و در نظر گرفتن شبکه‌واژگانی تعاون در آموزه‌های اسلامی، می‌توان نقش تعاون سیاسی-اجتماعی را در اموری مانند شفقت‌ورزی به شهروندان، افزایش همبستگی، افزایش احساس برادری، گشایش‌گری در بحران‌ها، گسترش روحیه مسئولیت‌شناسی/پذیری و یاری شهروندان و دولت اسلامی در دستیابی به عدالت اجتماعی رصد و پی‌جویی کرد. ارزش‌های برآمده از تعاون، مواسات، تکافل و شفقت در جامعه اسلامی را می‌توان در محورهایی مانند نزدیک‌سازی دل‌ها، غمخواری و همدردی با دیگر شهروندان، عاطفه و همکاری محبت‌آمیز رصد کرد. اصل اخلاقی تعاون سیاسی-اجتماعی، موجب می‌شود تا جامعه اسلامی به همبستگی سیاسی-اجتماعی، افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد متقابل میان

حاکمیت و شهروندان، شهروندان نسبت به یکدیگر، صداقت، حسن تفاهم و فداکاری دست یافته تا زمینه حل مشکلات جامعه در عرصه‌های مختلف فراهم آید، امری که در قالب «شبکه اعتماد» قابل رصد است. این تحقیق با بهره از روش فهم موضوعی استخراجی بر اساس چهار محور «واژگان مستقیم»، «واژگان ضمنی و التزامی»، «مفاهیم مخالف» و «دلالت‌های سیاقی و معنایی-مفهومی» انجام می‌شود که می‌تواند به فهم همه‌جانبه تعاون سیاسی-اجتماعی یاری رسانده و نقش آن در حل بحران‌ها را آشکار سازد.

تعاون، اعانه و معاونه از ریشه «عون»، به معنی یاریگری بر امور است، «العونُ: الظَّهِيرُ عَلَى الْأَمْرِ.» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۳: ۲۹۸). تعاون باب تفاعل به معنای یکدیگر را یاری و کمک کردن است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۲: ۲۵۳ و جوهری، ۱۴۱۰: ج ۶: ۲۱۶۸). همکاری همدلانه، نظام‌مند و سنجیده نظام سیاسی و شهروندان برای حل معضلات جامعه را می‌توان تعاون سیاسی-اجتماعی نامید، این همکاری در عرصه‌های مختلف مانند قانونگذاری، مدیریت و حل بحرانها، تصمیم‌سازی، اصلاح‌جویی برنامه‌های حکومت، شرکت در اجتماعات و احزاب، قابل رصد است.

منظور از «نقش»، در علوم اجتماعی، رفتاری است که دیگران از فردی که پایگاه معینی را احراز کرده است، انتظار دارند. (کوئن، ۱۳۸۷: ۸۰) در این نوشته، منظور رفتار و کارکردی است که از شهروندان یا دولت، ناظر به اصل تعاون، انتظار می‌رود. بحران اجتماعی، در وضعیت‌های ناپایدار و خطرناک به وجود می‌آیند که خود را در فرد، گروه، جامعه یا کل نظام سیاسی نشان می‌دهد. بحران‌ها غالباً ناشی از دگرگونی‌های ناگهانی و منفی در امور امنیتی، اقتصادی، سیاسی یا محیطی هستند. «بحرانها، دارای چهار ویژگی غیرمنتظره بودن، بی‌اعتمادی، تهدید اهداف جامعه و ناکارآمدی نظام هستند.» (Seeger;

Sellnow; Ulmer, 1998: 275) بحران اجتماعی عبارت است از به مخاطره افتادن و به هم خوردن تبادل عمومی و زندگی اجتماعی، بر اثر اختلالات یا مقتضیات پدید آمده در جزء یا اجزایی از جامعه که یا بر اثر عدم سازگاری سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر و یا به خاطر ناتوانی مؤسّسات اجتماعی در تحقّق اهداف ساخت‌ها و نهادهای اجتماعی به وجود می‌آید. (آراسته‌خو، ۱۳۸۱: ۲۷۵)

### ۱. چارچوب نظری:

در روش فهم استخراج موضوعی، چهار محور یاد شده، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. واژگانی که شبکه‌ای از معانی را در کنار هم می‌سازند، هر چند همانند دشتی هموار و یکنواخت نیستند، اما دارای لایه‌های ارتباطی به هم وابسته یا حوزه‌های اشتراک هستند که هر یک از آنها، متناظر با دل‌بستگی و علاقه‌مندی غالب یک جامعه است. واژگان، ساخت‌های چندلایه دارند. (ر.ک. ایزوتسو، ۱۳۸۸: ۲۷). در ادامه، برخی واژگان مرتبط با تعاون پرداخته می‌شود.

۱. واژگان مستقیم که دلالتی آشکار و صریح بر تعاون دارند، هر چند که با الفاظی متفاوت نقل شده‌اند، در این واژگان بحث از منطوق است، یعنی الفاظی که مستقیماً بر معنایی و مدلولی دلالت دارد. مقصود اصولیون از «منطوق» معنایی است که خود لفظ ذاتاً بر آن دلالت کند، آن گونه که لفظ گفته شده، قالبی برای آن معنا است. بنابراین، معنا از باب نامگذاری مدلول به اسم دال، منطوق نام گرفته است؛ یعنی «معنا» را که مدلول است به «منطوق» که لفظ دال است، نامگذاری کرده‌اند. (مظفر، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۱۰۷-۱۰۹). در این حوزه معنایی مستقیم می‌توان از واژگانی چون معاونت، تعاضد، تناصر، مشارکت، مساعدت و مظاهرت نام برد که هر واژه با وجود آن که معانی متفاوت دارند، اما در جوهر خود نوعی تعاون و

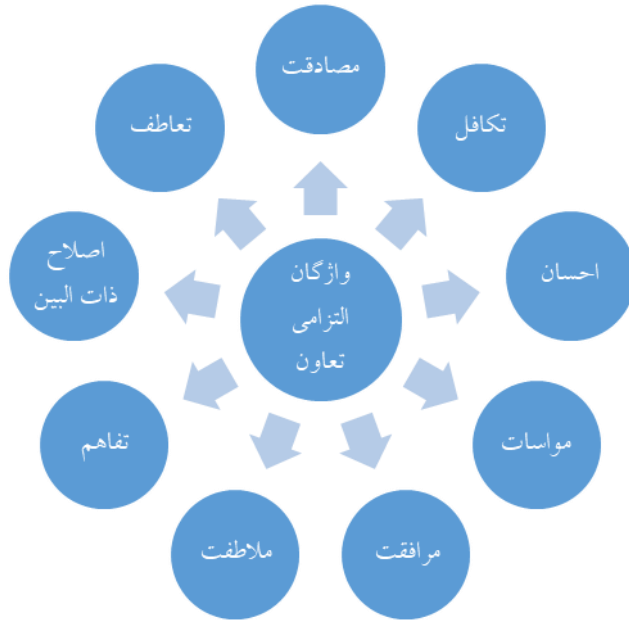
همکاری را می‌رساند. با توجه به محدودیت مجال، فرصت پردازش همه این مفاهیم نیست، اما برای نمونه، «مظاهره» که از اصل «ظهر» گرفته شده است، به معنی معاونت و یاری به کار رفته است، در راغب آمده است «ظَاهِرَةٌ» یعنی «عاوِثَةٌ». این که در قرآن کریم آمده است «وَ ظَاهِرُوا عَلٰی اِخْرَاجِكُمْ»، (الممتحنه، ۹)، و یا در سوره تحریم می‌خوانیم «وَ اِنْ تَظَاهَرَا عَلَیْهِ» (التحریم / ۴) یعنی «تعاون». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۴۰)

### تصویر شماره ۱: واژگان مستقیم



۲. واژگان ضمنی و التزامی، این واژگان هر چند به طور مستقیم دلالت بر تعاون ندارند، اما دلالت التزامی هر کدام از آنها، همیاری با یکدیگر است که برخی از آن در نمودار ذکر شده است و در ادامه با توجه به اهمیت مواسات، احسان و اصلاح ذات البین به آنها اشاره می‌شود و برخی از دیگر واژگان نیز در مباحث بعدی بررسی می‌شود.

## تصویر شماره ۲: واژگان ضمنی و التزامی



برای نمونه، یکی از کلیدی‌ترین این واژگان، مواسات است، از ریشه «أس و»، در لغت به معنی شریک‌سازی دیگران در معاش و روزی است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۴، ص ۳۵). در لغت به معنی درمان دردها، «علاج الطیب الجراحات» نیز به کار رفته است. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۷، ص ۳۳۲) «أسوه» نیز از این واژه گرفته شده است: «فلانُ أسوتک، قد أصابه مثل ما أصابک» (تهذیب اللغة، ۱۳۸۲ ج ۱۳: ۹۵). «این که گفته می‌شود فلانی اسوه توست، یعنی به او اصابت کرده، مانند آنچه به تو اصابت کرده است». در فارسی، مواسات به معانی «غم‌خواری، یاری‌گری، مددکاری به مال، از خودگذشتگی، نیک‌خواهی، همدردی و شریک‌ساختن» به کار رفته است؛ (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل لغت) که همه به نوعی ناظر به اصل معنا و ریشه لغت است. می‌توان گفت مواسات، همراهی جامعه اسلامی برای یاری به

یکدیگر و رویارویی با مشکلات است. با مواسات، نوعی همدلی، پیوستگی و همبستگی در میان شهروندان به وجود می‌آید.

«احسان» نیز یکی دیگر از اصلی‌ترین واژگان در حوزه معنایی تعاون است که در راستای تحقق تعاون سیاسی-اجتماعی در اخلاق اسلامی ذکر گردیده و دارای اهمیت است. «مراد از احسان، نیکی به دیگری است و نه صرف انجام کار خیر. احسان، خیررسانی و سودبخشی به دیگران است نه برای پاداش و چشم‌داشت از طرف مقابل، بلکه این امر تبرعی و داوطلبانه انجام می‌گیرد. از آنجا که در احسان، نوعی بهتر کردن حال کسی است که فقر، نیاز و بلاها او را خوار و پریشان ساخته و در آن انتشار مهربانی و ایجاد محبت است، اثر نیک آن به شخص نیکوکار برمی‌گردد، زیرا که با احسان، ثروت در جامعه پخش می‌شود و چرخش می‌کند و با محبت‌ورزی، سلامت و امنیت در آن به وجود می‌آید. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۲: ۳۳۲).

یکی دیگر از مفاهیم تاثیرگذار در قلمرو تعاون سیاسی-اجتماعی «اصلاح ذات‌البین» است، امری بنیادین تا کدورت‌ها و دشمنی‌ها از جامعه رخت برنندد و صمیمیت، جایگزین آن شود. در قرآن کریم، با آنکه در آغاز اعلام می‌شود که در بسیاری درگوشی‌های برخی از مسلمانان خیری نیست اما اگر آن را وسیله‌ای سازند تا امر خیری یا سازشی شکل گیرد، نیکوست: «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ». (نساء، ۱۱۴). حضرت علی علیه السلام خطاب به فرزندان، آنان را به ایجاد آشتی تشویق می‌کند و این کلام از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که «صَلِّحْ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَةِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ». (نهج البلاغه، نامه ۴۷). «آشتی دادن مردم برتر از یک سال نماز و روزه است». «اصلاح ذات‌البین» نقطه مقابل سخن چینی نیز می‌باشد. آشتی دادن، تنها در سطح

فرد یا افراد اثر نمی‌گذارد، بلکه سبب انسجام اقشار مختلف جامعه و تحکیم پیوندها میان آنها می‌شود. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۲: ج ۳: ۳۱۷).

۳. دلالت‌های سیاقی-مفهومی، این واژگان، مجموعه‌ای هستند که از سیاق معنایی و جملاتی که این واژگان در آنها به کار رفته است، می‌توان تعاون و همیاری را دریافت کرد.

### تصویر شماره ۳: دلالت‌های سیاقی-مفهومی



برای نمونه، خداوند در سوره آل عمران، نه تنها «صبر» بلکه «مصابره» را نیز طرح می‌کند که لازمه معنایی و مفهومی آن تعاون است، گویی جامعه با همکاری، دست در دست هم و در کنار هم، باید صبر داشته باشد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا.» (آل عمران، ۲۰۰).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، استقامت کنید و پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «منظور از صبر، صبر تک تک افراد است، اما «مصابره»، عبارت است از این که جمعیتی با هم، اذیت و آزارها را تحمل کنند و هر کس با تکیه و اعتماد صبر خود بر صبر دیگری، استواری ورزد، در نتیجه، برکاتی که در



صبر وجود دارد، دست به دست هم می‌دهد، احوال افراد، تقویت می‌شود، تأثیر آن بیشتر می‌گردد و این انرژی مثبت، هم در حال شخصی فرد، محسوس، خواهد بود و هم در اجتماع، زیرا صبر در جمع باعث می‌شود که نیروی تک تک افراد، به هم وصل شود»، سپس ایشان درباره کلمه «و رابطوا»، می‌فرماید: «رابطه» از نظر معنا، اعم و فراتر از «مصاברה» است، چون منظور از «رابطوا»، به وجود آوردن جامعه‌ای است که با پیوند میان نیروهای جامعه به یکدیگر، تشکیل می‌شود». (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۴، صص ۹۱-۹۲) سیاق معنایی و مفهومی این واژگان و واژگان مشابه که در نمودار آمده است و برخی از آنها در صفحات بعد، تبیین می‌گردد، دلالت بر تعاون به ویژه در عرصه سیاسی-اجتماعی دارند.

۴. واژگان مخالف: واژگانی هستند که معنای مخالف تعاون و همکاری را می‌رسانند و بر تضاد، چالش و عدم همراهی با یکدیگر دلالت می‌کنند. در این دایره واژگان، آموزه‌های اسلامی از تقابل، تضاد و دوگانگی نهی کرده است که مفهوم مخالف آن‌ها، حکایت از ضرورت همکاری با دیگران دارد.

#### تصویر شماره ۴: واژگان مخالف



برای نمونه، تنازع به معنی مخاصمت و جدال است (راغب، ۱۴۱۲: ۷۹۸) هر سه واژه «تنازع»، «مخاصمه» و «مجادله» در باب مفاعله هستند که نزاع، دشمنی و کشمکش دوطرفه را به همراه دارد. لذا در قرآن کریم، تاکید شده است که «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال، ۴۶) هرگز راه اختلاف و تنازع نپویید که در اثر تفرقه ضعیف شده و عظمت شما نابود خواهد شد. برخی در تفسیر آیه آورده‌اند که «خلاف مکنید «فَتَفْشَلُوا» که از مخالفت، بد دل شوید» (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۳۸۷).

واژه «تضاد» نیز در همین حوزه معنایی قرار می‌گیرد و جامعه را دچار نوعی چالش میان افراد، گروه‌ها، شهروندان و نظام سیاسی می‌کند که تقابل ارزش‌ها، هنجارها و منافع را به دنبال دارد و موجب گسست اجتماعی، ناامنی، خودگرایی و خودمحوری می‌شود، اما نگرش اسلامی، ضمن آنکه اختلاف طبیعی افراد و گروه‌های سیاسی-اجتماعی را به رسمیت می‌شناسد، در عین حال تلاش می‌کند که شهروندان با یاری هم و شهروندان در تعامل با دولت، مشکلات جامعه اسلامی را حل کنند و از ظرفیت‌های هر کدام برای گذر از بحران‌ها، استفاده کنند.

اصطلاحات کلیدی در میان خود، الگوی واژگانی را می‌سازند که خود نماینده آن هستند و این کیفیت از کنار هم قرار گرفتن آنها به اشکال و نسبت‌های گوناگون فراهم می‌شود و به صورت کاملاً مستقل از یکدیگر وجود ندارند، بلکه در جهات مختلف و از راههایی پیچیده با یکدیگر مربوطند. (ایزوتسو، ۱۳۸۸: ۲۴) و در این الگوی معنایی از آن جا که همه این کلمات با هم به‌عنوان یک کل در نظر گرفته می‌شوند، در برابر ما به صورت یک دستگاه سازماندار تشکیل شده از عناصر مستقل یک شبکه همبستگی معناشناختی در می‌آید (ایزوتسو، ۱۳۸۸: ۲۴). از مجموعه مفاهیم چندلایه مرتبط با تعاون و

مفاهیم مخالف آن و شبکه معنایی پیچیده‌ای که میان آنها شکل می‌گیرد؛ همیاری چندلایه، منسجم، برنامه‌ریزی شده و دقیق در عرصه سیاسی-اجتماعی فهم می‌شود، زیرا که تعاون اصولاً امری اجتماعی است و با وجود دیگران معنادار می‌شود، هر چند که گاه ممکن است دایره همکاری، کم و زیاد شود. در نقطه مرکزی این شبکه، تعاون قرار می‌گیرد و واژگان همسو و ناهمسو هر یک در نسبت به آن، به بخشی از معنای برآمده از تعاون یاری می‌دهند. تعاون اجتماعی حوزه‌های گوناگون اجتماعی را مانند سیاست و اقتصاد را دربرمی‌گیرد. تعاون سیاسی-اجتماعی که مورد تاکید این نوشته است، گاه توسط شهروندان انجام می‌شود و گاه توسط دولت و نظام اسلامی. بنابراین سطح تحلیل نوشته، در سطح جامعه و دولت تعریف می‌شود، به این معنا که جامعه و شهروندان، با امکانات مادی و معنوی خود در کنار نظام سیاسی قرار می‌گیرد و نظام سیاسی با بسیج همه توان مادی، معنوی و رسانه-ای، خود به یاری شهروندان می‌شتابد، در واقع، نوعی تعامل و همکاری متقابل شکل می‌گیرد که با آن تعاون سیاسی-اجتماعی معنادار می‌شود که در منابع اندیشه سیاسی اسلام مورد تاکید است و برخی از جلوه‌های آن، در نصوص نشان داده خواهد شد.

با توجه به آن چه بیان شد، می‌توان گفت که متغیر تعاون سیاسی-اجتماعی، تاثیری جدی در حل بحرانهای اجتماعی دارد و می‌تواند در عرصه‌های متفاوتی، موجب کم شدن دایره اثرگذاری بحرانها، تسهیل مدیریت بحران و بسیج منابع انسانی و سیاسی-اقتصادی در مهار عوارض بحرانها گردد. این همیاری موجب می‌شود تا در کنار آماده‌سازی، تدارک و مقدمه‌چینی برای امکانات مادی، زمینه و بستر برای همکاری معنوی، تشویق افراد به مشارکت سیاسی-اجتماعی و احساس مسئولیت در معضلات اجتماعی را فراهم می‌شود و این مقدمات مادی و معنوی موجب کاهش دایره تخریب بحرانهای اجتماعی می‌گردد.

## ۲. نقش تعاون سیاسی-اجتماعی در جامعه اسلامی برای رویارویی با بحران‌های اجتماعی

«جامعه عبارت است از مجموعه‌ای از انسان‌ها که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها و آرمان‌ها در یکدیگر ادغام شده و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند. نیازهای مشترک اجتماعی و روابط ویژه زندگی انسانی، انسان‌ها را آنچنان به یکدیگر پیوند می‌زند و وحدت می‌بخشد که افراد را در حکم مسافرانی قرار می‌دهد که در یک کشتی سوارند و به سوی مقصدی در حرکت‌اند و سرنوشت یگانه‌ای پیدا می‌کنند.» (مطهری، ۱۳۹۶: ۱۸). در نگرشی بنیادین، آن‌گاه که جامعه‌ای شکل می‌گیرد، نوعی پیوند هم میان افراد وجود دارد، اما در نگرش اسلامی، صرفاً رابطه مکانیکی و سوداندیشانه وجود ندارد و چنین نیست که شهروندان برای به کف آوردن سودی به دیگران کمک کنند، بلکه با الهام از ارزش‌های معنوی و الهی، شخص وظیفه خود می‌داند و احساس مسئولیت می‌کند تا با دیگران همکاری کند. از این منظر، آموزه تعاون در عرصه سیاسی-اجتماعی نقشی کلیدی در رویارویی با بحران‌ها بازی می‌کند که در ادامه به برخی از ساحت‌های آن پرداخته می‌شود.

### ۱-۲. شفقت‌ورزی به شهروندان

یکی از کاربردی‌ترین نقش‌هایی که تعاون سیاسی-اجتماعی انجام می‌دهد، ایجاد شفقت و مهربانی در جامعه اسلامی است. شفقت، نیکخواهی، همدلی و همدردی با دیگر انسان‌ها، نشانی مهم و بنیادین از حضور اخلاق در جان و نهران قدرتمندان و شهروندان است که با همکاری و همدلی پیوندی ژرف دارد. فرد شفیق یعنی «الناصح الحریص علی صلاح المنصوح.» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۰: ۱۸۰). و در تاج العروس، شفقت به رحمت، دل‌رحمی، هراس از رسیدن سختی به دیگری» (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۳: ۲۴۴). معنی شده است.

این فضیلت، می‌تواند بخشی از چیرگی حکمت بر جان زمامدار باشد، هر مقدار که انسان از حکمت، دور شود و به سوی کودنی حرکت کند، گرفتار قوه توهم می‌شود؛ قوه‌ای که انسان را در پیله خود، گرفتار می‌کند، خودمحور و خودگرا می‌گرداند و از مهر به دیگران دور می‌سازد. اما با قوه خیال، انسان توان می‌یابد تا خود را به جای دیگران قرار دهد، با احساسات، دارایی‌ها و ناداری‌های انسان‌ها، آرزوها و خواسته‌ها، دردها و رنج‌ها، شادی‌ها و حرمان‌های آنان همراهی کند و به هنگام صدور حکمی، بتواند تصور کند که با آن حکم، چه بر حال مردم و شهروندان می‌گذرد و در صورت بروز مشکلات و بحران‌ها، همه همت خویش را برای رفع آن، به کار گیرد. قوه خیال، به افراد، قدرت همراهی و همدلی می‌دهد، با آن، انسان می‌تواند از امور ظاهری و سطحی بگذرد تا درد و رنج دیگران را حس کند، احساسی که یکی از بزرگ‌های کلیدی تعاون سیاسی-اجتماعی برای نزدیک شدن به عرصه عمل است.

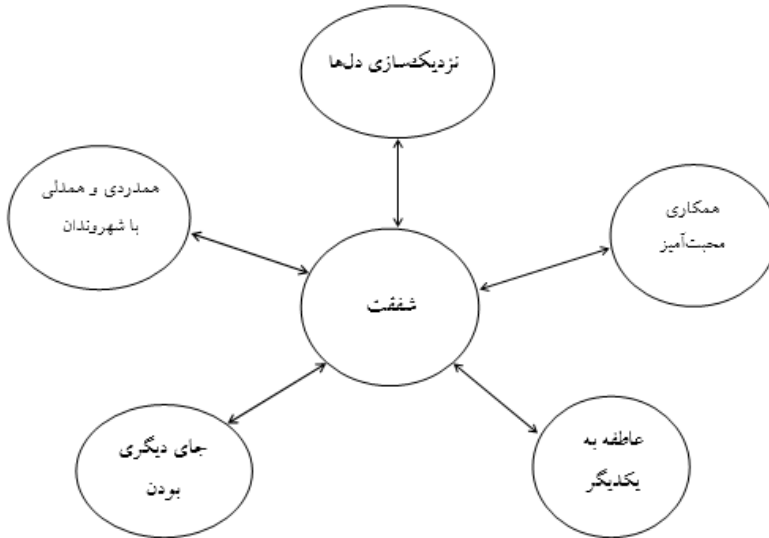
نویسنده کتاب «حدیث آرزومندی»، مقاله‌ای با عنوان «تخیل آری، توهم نه» دارد و بر این باور است که «ما از تخیل خود، نه برای گریختن از جهان، که برای پیوستن به آن بهره می‌جویم.» به نظر ملکیان، مقصود از تخیل، فعل یا فرآیندی است که آدمی بتواند با ویژگی‌های خاص خودش و در وضعیتی دیگر قرار دارد خود را جای «دیگری» قرار دهد که با ویژگی‌هایی دیگر و در وضعیتی دیگر قرار دارد و بتواند به دنیا، احساسات و عواطف او نزدیک شده و کنش و واکنش‌های او را بهتر فهم کند. (ملکیان، ۱۳۹۴: ۱۴۹). اما در جهت مخالف، غالب عدم پذیرش مسئولیتها، خشونت‌ها، شکنجه‌ها، عذاب‌ها و کشتارها آن‌گاه رخ می‌دهد که شهروندان و قدرتمندان نمی‌توانند احساس هم‌ذات‌پنداری و همدلی با دیگران کنند و لذا هیچ تلاشی هم انجام نمی‌دهند تا فرد، همیار دیگری شود. این مساله که

به طور ویژه درباره یکی از جنایت کاران جنگ جهانی دوم<sup>۱</sup>، بررسی شده است، تاکید دارد که او دارای نیروی فکری لازم برای سنجش ابعاد انسانی جنایات خود نبوده است و فرد از نظر روانی و به علت فقدان قدرت تخیل نمی توانسته مجسم کند که چه بلایی بر سر قربانیانش می آورد و آنان چه رنجی می کشند. (فولادوند، ۱۳۸۵: ۳۴). حاکمی که دارای قدرت اندیشه و تخیل برای همدلی و مهربانی به دیگران نیست، نمی تواند از رفتار و نتایج تصمیمات خود، سنجش گری و ارزیابی دقیقی داشته باشد، و با وجدان خویش گفتگو کند و خلوتی داشته باشد که اگر من به جای ستمدیدگان بودم، چه می کردم و طبعاً انگیزه‌ای نمی یابد تا دیگران را یاری کند.

امام صادق (ع) در حدیثی بر چند امر تاکید می کند که به نحوی هر کدام از آنها مصادیقی از اصل اخلاقی شفقت و برآمده از تعاون هستند و می تواند هر دو سطح شهروندی و دولتی را دربر گیرد؛ بر اساس کلام ایشان، مسلمان‌ها باید بکوشند تا دل‌های خود را به یکدیگر نزدیک سازند: «الْأَجْتِهَادُ فِي التَّوَّاصُلِ»، دیگری، همکاری به همراه محبت است: «وَالتَّعَاوُنُ عَلَى التَّعَاطُفِ»، و اینکه آنان نسبت به نیازمندان، غمخواری، همدردی و یاریگری داشته باشند: «وَالْمُؤَاَسَاةُ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ»، و بعضی بر برخی دیگر عاطفه و محبت ورزند: «وَتَعَاطُفٌ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ»، سپس امام می فرماید، همه این امور برای آن است تا در بین خود، مهربان باشید، آن گونه که خداوند به شما دستور داده است: «حَتَّى تَكُونُوا كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ». (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۲: ۲۱۵). این روایت به روشنی مصادیق شفقت و مهربانی در میان مسلمین را بیان می کند.

۱. آدولف آیشمان از افسران بلندپایه ارتش نازی بود که بعد از جنگ دستگیر و محاکمه شد و به تاریخ ۱۹۶۲،

### تصویر شماره ۵: نقش شفقت در جامعه اسلامی



حضور این روحیه، در میان حاکمان، اهمیتی دوچندان دارد که با قدرت خویش می‌توانند بسترهای همکاری و همدلی را در جامعه فراهم سازند، در کلامی علی (ع)، نقش دولت و دولتیان در تعاون سیاسی-اجتماعی یادآور می‌شود و خطاب به مالک اشتر می‌فرماید:

«وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

مهربانی بر رعیت را برای دل خود پوششی گردان و مهرورزی و لطف به آنان را سرلوحه کار خود قرار بده.

همچنین در نامه ۲۷ به «محمد بن ابی بکر» والی مصر توصیه می‌نماید، در برابر رعیت، فروتن باش و آنان را با گشاده‌رویی و نرم‌خویی بپذیر. (ر.ک. نهج البلاغه، نامه ۲۷).

قدرت‌مند، آن‌گاه به سهمی بلند از اخلاق دست می‌یابد که نسبت به دیگران، همدردی داشته باشد و بتواند از پیامد تصمیم‌ها و دیدگاه‌های خود در زندگی آنان، تصویری دست‌کم اجمالی، داشته باشد، در این صورت، او می‌تواند، رنج مردم را رنج خود بداند و شادی

آنان را شادی خود و برای رفع مشکلات آنان، برنامه‌های دقیق علمی و عملی سامان دهد. در همین راستا است که علی(ع) تاکید دارد که خداوند بر پیشوایان عادل واجب کرده که زندگی خود را در سطح مردم ضعیف و تهیدست قرار دهند، تا مستمندان به دلیل فقر، دچار اندوهی هلاکت‌بار نشوند. (ر.ک. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹).

ورود این مهم به عرصه سیاسی به تولید اصل زرین شفقت سیاسی می‌انجامد و می‌تواند تحولی شگرف در روابط سیاسی به وجود آورد. حاکم باید بیاموزد و یاد بگیرد تا به انسان‌ها مهر ورزد. «شفقت تابع همدلی و همدردی است. همدلی یعنی من چقدر می‌توانم خودم را جای شما قرار بدهم و همدردی یعنی من چقدر می‌توانم درد و رنج شما را در خودم بازسازی بکنم.» (ملکیان، ۱۳۹۵). حضور هر یک از این امور به معنای آن است که تحولی ژرف در همکاری‌های سیاسی-اجتماعی به وجود می‌آورد و می‌تواند تغییراتی اساسی، رو به جلو و مثبت در فرایند اعمال قدرت ایجاد کند و جامعه و شهروندان را به سوی اخلاقی شدن، پویایی بخشد. برای نمونه در بحران کرونا، بسیاری از صاحبان املاک و مغازه‌ها در شهرهای مختلف، برای یاری به مستاجران، مشفقانه مبلغ اجاره ملک خود را یا افزایش ندادند و یا درصد کمی افزایش دادند. یا در بحران سیل خوزستان سال ۱۳۹۸، بسیاری از مردم به یاری خانواده‌های گرفتار در سیل شتافتند و بسیاری دیگر نیز با کمک مالی با آنان، اظهار همدردی کردند.

با توجه به این نکته، تعاون و اصل زرین اخلاقی، پیوندی عمیق می‌یابند، زیرا که محور شفقت، یاری هم‌نوعان و دور شدن از خودخواهی و خودمحوری است، در این خصوص پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) خطاب به امام علی (ع)، کلامی جاودان دارد:



«یا عَلِيَّ مَا كَرِهَتْهُ لِنَفْسِكَ فَاکْرَهُ لِغَيْرِكَ وَ مَا أَحَبَّتْهُ لِنَفْسِكَ فَأَحِبَّهُ لِأَخِيكَ.» (حرانی، ۱۴۰۴: ۱۴).

علی جان! هر آنچه را که برای خودت خوش نداری، پس برای دیگری نیز خوش ندار و آنچه را که برای خود، دوست داری، برای برادرت دوست داشته باش.

در چارچوب نظری اشاره شد که ظلم یکی از آن واژگان مخالف تعاون و همکاری است، زیرا که فرد ظالم، همه چیز را برای خود و اطرافیانش می‌خواهد، لذا در کلامی علی (ع)، ضمن بیان قاعده طلایی، به عدم ظلم نیز تاکید دارد:

«وَلَا تُظْلِمُ كَمَا لَاتُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

به دیگران ستم نکن همان‌گونه که دوست نداری به تو ستم شود.

و اینکه آنچه را برای دیگران زشت می‌شمردی برای خودت نیز زشت شمار و برای مردم خشنود شو به آنچه برای خود از سوی آنان راضی می‌شوی. (نهج البلاغه، نامه ۳۱) باری حاکمیت این اصل به معنای پذیرش همدردی، همدلی و سپس همکاری با دیگران در جامعه است. قدرتمندی که خودم‌محور باشد و هیچ احساسی نسبت به درد و غم دیگران نداشته باشد، اصولاً انگیزه‌ای برای کمک به دیگران نیز ندارد، بلکه بر عکس انتظارش آن است که همه در جهت منافع او حرکت کنند و او را یاری کنند و برای حفظ قدرتش، خویش را فدای خواسته‌های ناصوابش سازند.

## ۲-۲. افزایش احساس برادری

یکی از لوازم تحقق و عینیت بخشی آموزه اخوت و برادری که پای در آموزه‌ها و معارف اسلامی دارد، افزایش همیاری شهروندان در جامعه اسلامی است تا به معنی واقعی، احساس برادری را در جان خویش حس کنند و دریابند که در سختی‌ها و بحران‌ها، کسی

هست که یاور آنان باشند و برادری دلسوز دارند که دستشان را بگیرد و برخی از معضلات آنان را برطرف کند. در قرآن کریم، آمده است که مومنان برادرند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ.» (حجرات، ۱۰). همان‌گونه که برادران با هم مهربانند، مومنان نیز باید چنین باشند، اما آن‌گاه که این برادری به عرصه سیاست می‌رسد، اهمیت آن دوبرابر می‌شود، پیامبر اکرم (ص) نیز در حکم خود به «معاذبن‌جبل»، تاکید می‌کند که او را به عنوان برادر و معلم به سوی مردم یمن فرستاده است:

«أَنْتِي لَمْ أِبْعَثْ عَلَيْكُمْ مَعَاذًا رِبًّا وَ إِنَّمَا بَعَثْتُهُ أَخًا وَ مُعَلِّمًا.» (احمدی میانجی، ۱۴۱۹: ج ۲: ۵۹۵).

«من معاذ را به سوی شما نفرستادم تا مالک شما باشد، بلکه او را فرستادم تا برادر و معلم شما باشد.»

و این عبارت مشهور از امام علی (ع) را باید در نظر آورد که به کارگزار خود می‌نویسد: «مردم، دو گروهند یا برادر دینی تو هستند، یا همانند تو در آفرینش.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). هر دوی این عبارات، نشان از نقش دولت در تعاون سیاسی-اجتماعی دارد.

امام صادق (ع) به اصحاب خود می‌فرمود: «كُونُوا إِخْوَةً بَرَّةً، مُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ مُتَوَاصِلِينَ مُتَرَاحِمِينَ.» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲: ۱۷۵). «برادرانی نیکو رفتار باشید، در راه خدا به یکدیگر، مهر ورزید و پیوستگی داشته باشید و به هم رحم کنید.» همچنین از ایشان نقل است که فرمود: «تَوَاصَلُوا وَ تَبَارَوْا وَ تَرَاحَمُوا وَ كُونُوا إِخْوَةً بَرَّةً كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ.» (همان) «با هم پیوند داشته باشید، به یکدیگر نیکی ورزید و برادرانی نیکوکار باشید، همان‌گونه که خدای عزوجل به شما دستور داده است.» در حدیثی دیگر آمده است که «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَحِيمٌ يُحِبُّ كُلَّ رَحِيمٍ» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲: ۲۱۶). «به راستی که خداوند، مهربان است و هر مهربانی را دوست دارد.»

در اخلاق سیاسی اسلامی، تعاون و مهرورزی از سوی کارگزاران به مردم، از اصول اساسی به شمار می‌رود و با حاکمیت آن در جامعه، احساس برادری افزایش یافته و حکومت و شهروندان، توان می‌یابند تا برخی از دشواری‌های سیاسی-اجتماعی را در کنار هم برطرف کنند. امام رضا (ع)، حق برادران را، اعم از برادر تنی و ایمانی، بیان می‌کند که حق آنان، حتمی و واجب است و باید جان‌ها، گوش‌ها، دیده‌ها، دست‌ها، پاها و همه اندام خود را فدای آنان کنید، آنان دژهای شما هستند تا در سختی‌های دنیا و آخرت به آنان پناه ببرید، در ادامه روایت، حضرت تاکید دارند که یاری برادران را ترک نکنید و از هر طریق، به آنان یاری رسانید:

«وَلَا تَدْعُوا نُصْرَتَهُمْ وَلَا مَعَاوَنَتَهُمْ وَابْدُلُوا النُّفُوسَ وَالْأَمْوَالَ دُونَهُمْ.»

«و یاری و کمک به آنان را وانگذارید و جان و مال خود را برای آن‌ها بذل کنید.»

و در پایان تاکید دارد که با آنان مواسات و همیاری باشد:

«وَمُوَاسَاتُهُمْ وَمُسَاوَاتُهُمْ فِي كُلِّ مَا يَجُوزُ فِيهِ الْمَسَاوَاةُ وَالْمُوَاسَاةُ.» (فقه‌الرضا، ۱۴۰۶: ۳۳۵ و

ر.ک. نوری، ۱۴۰۸: ج ۹، ص ۴۷). «در هر آنچه که رواست با آنان، مواسات و برابری کنید.»

باری مجموعه این آیات و روایات و بسیاری دیگر که مجال ذکر آن‌ها نیست، بر ضرورت همکاری و تعاون جامعه و شهروندان، دلالت دارد، امری که نقشی اساسی در افزایش روحیه برادری و احساس اخوت در جامعه اسلامی دارد. از دیگر سو، مسئولیت برادران دینی را نسبت به یکدیگر بیان می‌کند و اینکه بر آنان است تا در امور مختلف به برادران خود یاری دهند و مشکلات آنان را بگشایند.

### ۳-۲. گشایش‌گری در بحران‌های سیاسی-اجتماعی

بیشترین و ضروری‌ترین جلوه‌ تعاون سیاسی-اجتماعی، در بحران‌ها و معضلات اجتماعی رخ می‌نماید. آن‌گاه که جامعه اسلامی با مشکلی روبرو می‌شود، در کنار تلاشی که کارگزاران نظام اسلامی انجام می‌دهند، تعاون و همکاری شهروندان با دولت و در میان خودشان، از اهمیتی دوچندان برخوردار است. گاه حجم مشکلات در بحران‌هایی مانند سیل و زلزله، چندان گسترده است که عوارض بسیار آن تنها با همیاری همه دولتیان و شهروندان کاسته می‌شود. با این روحیه، همه اجزا و پیکره جامعه اسلامی، اعم از شهروندان و شهروندان، در فرایندی همبسته به یاری هم می‌شتابند و برای حل مشکلات یکدیگر، پیوند اخلاقی، اجتماعی و سیاسی می‌یابند. حاکمان از قدرت خویش بهره می‌گیرند تا تعلق اجتماعی میان شهروندان و حاکمیت، ژرف گردد و قدرت، ابزاری شود تا منافع همگان تأمین شود؛ مردم نیز با توجه به روحیه همبستگی، می‌کوشند تا به دولت یاری رسانند، لذا مردم و حاکمیت نه تنها احساس بیگانگی نمی‌کنند، بلکه با توجه به روحیه همیاری، به کمک یکدیگر شتافته و زمینه فراگیر شدن هر چه بیشتر آموزه‌های اخلاقی را در جامعه و روابط سیاسی، فراهم می‌کنند.

یکی از جلوه‌های تعاون اجتماعی در جامعه اسلامی، ایثار و از خودگذشتگی است که می‌تواند گره‌گشای برخی مشکلات شهروندان باشد. اوج همکاری را کسی انجام می‌دهد که جان یا مال خود را برای اصلاح جامعه و یاری دیگران می‌بخشد، در سوره حشر خداوند به این نکته اشاره می‌کند که مسلمانان برای حل مشکلات مهاجران، آنان را یاری کردند، کسانی که در مدینه و در سرای ایمان، پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به

سویشان هجرت کنند، دوست می‌دارند و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی‌کنند؛ در ادامه آیه چنین آمده است که:

«وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (حشر، ۹).

«و آنان را بر خود مقدم می‌دارند، هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند.»

وجود این روحیه همکاری و تعاون، گشاینده مشکلاتی است که گاه تنها مردم می‌توانند در آن‌ها نقش بازی کنند، همان روحیه‌ای که در دولت اسلامی مدینه، مسلمانان با همکاری حضرت رسول (ص) به عنوان رهبر جامعه دینی، توانستند پایه‌گذار مکتبی جدید و سبکی متفاوت در زندگی گردند. در همین نگره بود که امام صادق (ع)، یکی از حقوق مؤمنین را مواسات و شریک‌سازی دیگر در مال معرفی می‌کند «الْمُوَاسَاةُ لَهُ فِي مَالِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۷۱)، امری که فقر را به عنوان یکی از معضلات جامعه بشری، ریشه‌کن سازد، هر چند سوگمندان، جامعه اسلامی ما تا رسیدن به این نقطه مطلوب فاصله بسیار دارد.

#### ۴-۲. گسترش روحیه مسئولیت‌شناسی/پذیری

بی‌قیدی، بی‌احساسی، بی‌اعتنایی و بی‌علاقگی نسبت به اموری که در جامعه می‌گذرد، آن را خموده می‌سازد و روح پیشرفت و تکامل را در آن می‌میراند، اما آن‌گاه که شهروندان در مسائل مختلف سیاسی-اجتماعی در کنار هم قرار می‌گیرند و در بحران‌ها، برای حل مشکلات، همکاری می‌کنند، به واقع، می‌پذیرند تا نسبت به دیگران و اموری که در جامعه می‌گذرد، بی‌خیال و بی‌مسئولیت نباشند. همه مفاهیم چندگانه‌ای که در محور و پیرامون تعاون در چارچوب نظری ذکر شد، به افزایش مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری می‌انجامد. در مقابل، در جامعه‌ای که تضاد، چالش، تقابل، کینه‌ورزی و دوگانگی وجود داشته باشد، افراد به سمت بی‌خیالی رفته و در قبال مسائل آن، احساس پاسخ‌گویی یا

پاسخ‌جویی ندارند. تا زمانی که کینه‌کشی و کینه‌ورزی در میان شهروندان وجود داشته باشد، زمینه تعاون و تفاهم به وجود نمی‌آید، لذا در این گونه موارد دولت اسلامی، نخبگان و صاحبان نفوذ، مسئولیت دارند تا به مشاجره‌ها و کینه‌های سیاسی-اجتماعی پایان دهند و جمعیت ناهمدل را همدل سازند.

از همین باب است که در روایات متعدد آمده است که انسان نباید نسبت به سرنوشت خود و جامعه‌اش بی‌اعتنا باشد، اینکه انسان به ندای ستم‌دیده‌ای یا مسلمانی جواب مثبت دهد، مبتنی بر تعاون و به معنی پذیرش همکاری با دیگر شهروندان است تا به معضلات آنان رسیدگی شود؛ همه آیات و روایاتی که در ادامه ذکر می‌شود، ناظر به سطح تحلیل جامعه و شهروندان است، پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید:

«مَنْ أَصْبَحَ لَأَيِّهِنَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۱۶۳).

«کسی که شب را صبح کند و نسبت به امور و سرنوشت مسلمانان بی‌اعتنا باشد و اهتمام به خرج ندهد، مسلمان نیست.»

در روایت بحث از توجه و اهتمام به امور مسلمین است که هویتی اجتماعی دارد و امر اجتماعی بدون تعاون سیاسی-اجتماعی به سامان نمی‌رسد، حتی گاه حل معضل فردی هم نیاز به همکاری چندنفره دارد و یک نفر شاید نتواند، مشکل را برطرف سازد.

روایتی دیگر بر ضرورت اجابت به یاری انسانها تاکید دارد که:

«مَنْ سَمِعَ رَجُلًا ينادي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.» (همان، جلد ۲، ص ۱۶۴).

«هر کسی یاری‌خواهی انسانی را بشنود که از مسلمانان، یاری می‌خواهد، به او پاسخ مثبت ندهد، مسلمان نیست.»

جالب آنکه در روایت فرمود «رجلا» یعنی اگر انسانی ندای یاری اش بلند شود و فرمود «مسلماً»؛ پس در جامعه اسلامی هر کس، مسلمان یا نامسلمان، ندای یاری طلبد، بر دیگران است و آنان مسئولیت دارند که به یاری او شتابند.

در قرآن کریم، خداوند در سوره نحل آیه ۹۰ می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ.»  
(نحل، ۹۰).

«به راستی، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می دارد.»

امر خداوند به «عدل»، «نیکی» و «بخشش به خویشان»، هر سه به نوعی یادآور همبستگی اجتماعی، همیاری شهروندی، ارتباط مطلوب با دیگران و تنظیم کننده رفتار فرد مسلمان با جامعه است، ضمن آنکه عدل، معنایی فراگیرتر نسبت به فرد و جمع دارد. آن سان که سه مفهوم «فحشا»، «منکر» و «بغی» نیز برهم زنده روابط اجتماعی است. (سیدباقری، ۱۳۹۲: ۱۸). پیامبر اسلام (ص) در روایتی بر همیاری اجتماعی در نیکی و دوری از زشتی و بدی تاکید دارد و می فرماید:

«لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى.»  
(طوسی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۱۸۱). «تا زمانی که امت من، امر به نیکی می کنند و دیگران را از زشتی باز می دارند و در نیکی و تقوا یار یکدیگرند، در خیر، خواهند بود.»

امر به معروف و نهی از منکر مظهر بی خیال نبودن نسبت به امور جامعه اسلامی و احساس مسئولیت نسبت به آن است، دعوت دیگران به نیکي خود، جلوه‌ای از تعاون در

امور سیاسی-اجتماعی است. فرد با عمل به این فریضه مسئولیت خویش را در امور اجتماعی می‌پذیرد و این که به جامعه خویش یاری دهد تا از زشتی و منکر دور شود.

## ۵-۲. یاری شهروندان و دولت اسلامی در دستیابی به عدالت اجتماعی

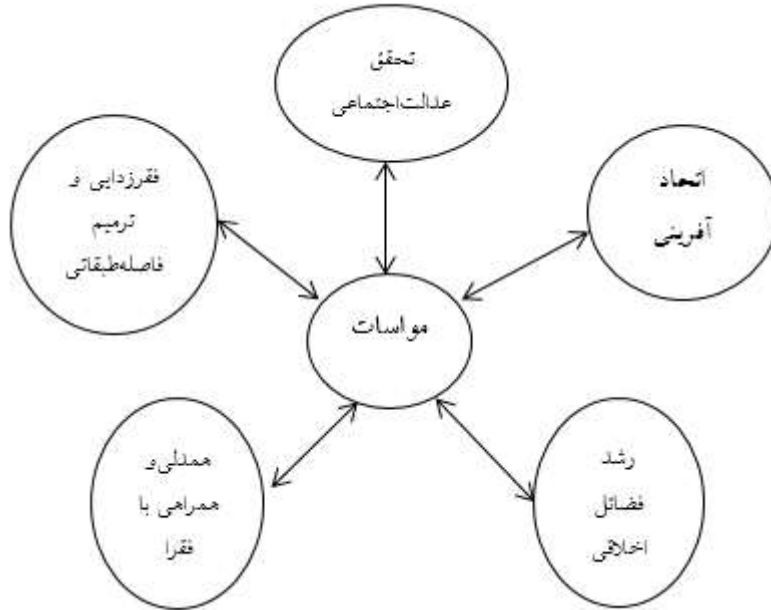
تعاون، همدلی و غمخواری یکی از بهترین و مطمئن‌ترین راههای رسیدن به عدالت اجتماعی است. قرآن کریم مسلمانان را به همیاری در کار نیک، احسان و عدم یاری در گناه و ستم امر می‌کند:

«تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ.» (مائده، ۲).

عدالت اجتماعی بزرگترین نیکی است که مردم باید برای دستیابی به آن، همکاری کنند. «مواسات معنایش این است که انسان دیگران را در مال و امکانات خود به نحوی سهم و شریک سازد؛ در بینش دینی، مواسات، معیار دین‌باوری است: «مَنْ وَأَسَى الْفَقِيرِ مِنْ مَالِهِ وَ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ فَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ حَقًّا.» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۱۴۷). «مؤمن حقیقی فردی است که نیازمندان را شریک و سهم مالش قرار دهد و با مردم به انصاف رفتار کند.» با این ویژگی اخلاقی می‌توان روند تکاملی جامعه را تسریع بخشید، همبستگی اجتماعی و پیوندهای نوع‌دوستانه را عمیق‌تر کرد و ریشه‌های ناعدالتی را از آن ریشه‌کن ساخت. امام علی (ع) می‌فرماید: «ما حَفِظَتِ الْأَخُوَّةَ بِمَثَلِ الْمَوَاسَاةِ.» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰: ۶۹۰). در پرتو این فضیلت اخلاقی، فقر در جامعه کاهش می‌یابد و از انبوه شدن ثروت در دست اغنیا می‌کاهد. (مکارم شیرازی، دایره المعارف فقه مقارن، ج ۲: ۲۴۷). این آموزه، موجب می‌شود تا از اختلاف طبقاتی و نابرابری‌های اجتماعی کاسته شود و جامعه به سوی عدالت حرکت کند.



## تصویر شماره ۶: نقش مواسات در جامعه اسلامی



برای تحقق همکاری صمیمانه و مواسات میان قشرهای مختلف جامعه و جبران ناعدالتی-ها، حضور مردم، امری اساسی است که عدالت، انس می آفریند، فاطمه زهرا (س) در خطبه معروف خود، در عبارتی کوتاه و گویا درباره فلسفه عدالت می فرماید: «فترض...العدل فی الأحكام ایناساً للرعیة.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶: ۱۰۸). «خداوند عدالت را واجب ساخت تا میان مردمان، انس و الفت پدید آید». در صورت عدم رعایت عدالت، همراهی مردم با حکومت، دچار مشکل می شود. در تعبیری دیگر، آن حضرت عدالت را مایه پیوند دل و تحکیم روابط اجتماعی می شمرد: «والعدل تنسیقاً للقلوب.» (همان، ج ۲۹: ۲۲۳). امیر مؤمنان (ع) نیز در یک جمله پر معنا می فرماید: «برترین چیزی که موجب چشم روشنی زمامداران می شود، برقراری عدالت در شهرها و ظهور دوستی و محبت رعیت است.» (نهج البلاغه،

نامه ۵۳). با افزایش همدلی و مواسات، بخشی از فقر و ناعدالتی از جامعه اسلامی رخت برمی‌بندد. (مکارم شیرازی، دایره المعارف فقه مقارن، ج ۲: ۳۴۱).

در جامعه اسلامی ما در بحران کرونا، پوشش‌های متعددی در قالب مواسات و همدلی به راه افتاد، و تنها کمک مالی مردمی به هلال احمر تا تاریخ ۳۱ خرداد ۹۹، به مبلغ ۱۱۵۰ میلیارد ریال رسیده است. (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۹/۳/۳۱) حال آن که کمک‌های بسیاری دیگر در قالب‌های متعدد دیگر نیز انجام شده است. برای نمونه، تنها در یک پوشش، در ماه رمضان، حدود ۷ میلیون بسته معیشتی در میان نیازمندان توزیع شد. (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۹/۴/۲۴) یا در پوششی دیگر به نام «علی‌یاوران» اعلام شد که بیش از ۳۴ میلیون بسته غذا در میان آسیب‌دیدگان توزیع شده است. (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۹/۳/۱۳). همچنان که مراحل گوناگونی، رزمایش‌ها و پوشش‌های متعددی به نام‌هایی مانند مواسات، همدلی مومنانه، کمک مومنانه، دست‌های مهربان و نذرهای مختلف و متفاوت در ایام رمضان و محرم شکل گرفت و شهروندان در قالب‌های متعدد مردمی، بسیجی، دانش‌آموزی، دانشجویی، طلاب، اصناف، سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) و... هر کدام به نحوی به یاری شهروندان نیازمند شتافتند. از دیگر سو، دولت ایران نیز تلاش کرد تا در قالب بسته‌های معیشتی، افزایش یارانه، پرداخت وام، تسهیلات حمایتی و پرداخت حق بیمه بیکاری، به آسیب‌دیدگان از کرونا یاری دهد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۹/۴/۱۳)

پس این راهبرد، یکی از مهم‌ترین و کاراترین اصولی است که جامعه را به سوی عدالت سیاسی - اجتماعی حرکت می‌دهد. اهداف عالی حکومت اسلامی، حاصل نمی‌شود مگر آن‌که در جامعه، روحیه همیاری، وجود داشته باشد. سید قطب بر این باور است که پایه‌های عدالت اجتماعی در اسلام، بر چند امر استوار است: آزادی همه جانبه وجدان،

مساوات کامل انسانیت و تکافل و همکاری محکم اجتماعی. (سید قطب، ۱۳۷۹: ۴۵). ایشان تکافل را بین فرد و خودش، بین فرد و نزدیکانش، بین فرد و اجتماع، بین ملت و ملل دیگر و بین نسل و نسل‌های بعدی هم جاری می‌داند. (همان، ص ۷۸).

«تکافل» به معنی کفیل و عهده‌دار شدن کار یکدیگر و همکاری پایدار اجتماعی است که باید آن را در سطح تحلیل یاری شهروندان رصد کرد؛ در اصل لغت، «کفل» نیز بر تعهد کاری برای تأمین و برآوردن امور یک شخص و زندگی او تأکید شده است. (مصطفوی، ۱۴۰۲: ج ۱، ص ۸۸). در تکافل، گویی مردم جامعه اسلامی، ضامن و کفیل هم می‌شوند و در همه امور و مشکلات، متعهد می‌شوند که یکدیگر را یاری دهند، لذا در اندیشه سیاسی اسلام، تکافل، راهکاری اثربخش برای رسیدن به دادگری به شمار می‌آید. مظهر و جلوه تکافل، در تعاون و همکاری می‌باشد که گاه، عام و فراگیر است یعنی همه شهروندان، دست به دست هم می‌دهند تا جلوی فقر یا ستمی را بگیرند و گاه محدود است مانند آنکه احزاب سیاسی با یکدیگر همکاری می‌کنند تا در عرصه سیاسی، جلوی ناعدالتی را بگیرند.

## ۶-۲. افزایش همبستگی اجتماعی-سیاسی

تعاون سیاسی-اجتماعی به همبستگی و همراهی میان دولت و شهروندان می‌انجامد. در نگرش دینی، نوعی همدلی و همیاری اجتماعی در جامعه اسلامی برقرار است که با وجود آن، زمینه هر چه بیشتر شدن رابطه صمیمانه میان قدرت‌ورزان و شهروندان جامعه اسلامی فراهم می‌شود، این همدلی که بخشی از آن، برخاسته از فراگیری اخلاق در جامعه است، به اعمال سیاست مطلوب یاری رسانده و زمینه رشد فضائل اخلاقی را زمینه‌چینی می‌کند. «پس از این که انسان‌ها به حکم عقلشان، برای تأمین نیازهای مادی و معنوی خود، همزیستی اجتماعی و زندگی مشترک خود را در جامعه آغاز کردند، در سایه این

همزیستی متقابل، عواطف متقابلی نیز میان آنان پدید می‌آید؛ زیرا وقتی شخصی احساس کند که انسان‌های دیگر، خدماتی را به نفع او انجام می‌دهند و نیازهای وی را در زندگی اجتماعی برطرف می‌کنند، عواطف و محبت وی نسبت به آنان برانگیخته می‌شود.» (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۸: ج ۳: ۹۴). با این رویکرد، قدرت، ابزاری برای تقویت اخلاق و بزرگواری‌های فضیلت‌مدار و همبستگی اجتماعی است که الفت، همدلی و محبت را در میان مردم افزایش می‌دهد و قرآن کریم از آن تعبیر به تالیف می‌کند، به عنوان یکی از نعمت‌های الهی:

«وَأَذْكُرُوا لِلَّهِ عَلَيْهِمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا.» (آل عمران، ۱۰۳).

«و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آن‌گاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید.»

و در ادامه یادآور می‌شود که شما به هنگام اختلاف و دوگانگی، بر کناره پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید:

«وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا.» (آل عمران، ۱۰۳).

تمثیل سخن الهی، بسیار دقیق و حساب شده است، آن‌گاه که آتش در جمع افتد، آن‌ها پراکنده شده، هر کدام به سمتی می‌دوند و حتی گاه به هم برخورد کرده و در فرار، یکدیگر را نیز آسیب می‌زنند، پس اگر آتش دوگانگی در جامعه اسلامی، نفوذ کرد، بنیان‌های همدلی را نابود ساخته و نظم جامعه را در هم شکسته و هر قدر هم که تلاش شود، نمی‌تواند گامی به جلو بردارد. اما ویژگی همبستگی اجتماعی آن است که این آشفتگی‌ها را درمان می‌کند و مسیر برای گذر از مشکلات را باز می‌کند، در اندیشه اسلامی، مومنان

همانند جسدی واحدند که در همهٔ امور همبسته‌اند و در زمان درد و شادی در کنار یکدیگرند، رسول خدا (ص) در این باره به همکاری شبکهٔ اجتماعی مردمی اشاره می‌فرماید:

«المؤمنُ أخو المؤمنِ كالجسدِ الواحدِ، إنِ اشتكى شيئاً منه وجدَّ ألمَ ذلكَ في سائرِ جسدهِ، و أرواحُهُما من رُوحٍ واحدةٍ.» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲: ۱۶۶).

«مؤمن برادر مؤمن است و هر دو به منزله اعضای یک پیکرند. اگر عضوی از آن به درد آید، دیگر عضوها درد آن را احساس می‌کنند و ارواح آن دو از روح واحدی گرفته شده‌اند.»

در کلامی امام علی (ع) در سطح تعاون اجتماعی شهروندان، برترین نیکی‌ها را مواسات و یاری برادران معرفی می‌کند: «أَحْسَنَ الْإِحْسَانِ مُوَاَسَاةُ الْإِخْوَانِ.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۹۴). و از آن به عنوان نعمتی که خداوند به طور ویژه به افراد خاصی عنایت می‌کند، نام می‌برد که:

«إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَخْتَصِمُهُمُ بِالنَّعْمِ لِمَنَافِعِ الْعِبَادِ، فَيَقْرَهُهَا فِي أَيَدِيهِمْ مَا بَدَّلُوهَا، فَإِذَا مَنَعُوهَا نَزَعَهَا مِنْهُمْ ثُمَّ حَوَّلَهَا إِلَى غَيْرِهِمْ.» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۶: ۳۲۵).

«خدا را بندگانی است که به آنان برای منافع بندگان، نعمت‌هایی داده است و تا زمانی که از آن می‌بخشند، در دستشان باقی می‌ماند و هنگامی که نبخشند، آن نعمت را از ایشان می‌گیرد و به دیگران می‌سپارد.»

پس با مشارکت و همیاری سیاسی - اجتماعی، دولت اسلامی و شهروندان می‌توانند سرنوشت جامعه را به دست خویش بنگارند و با بهره از عقل جمعی، حرکت جامعه به

سوی عدالت را پی گیرند، در برابر ناعدالتی‌ها بایستند و با هم مسیر رسیدن به عدالت را هموار کنند.

## نتیجه گیری

شبکه معنایی دلالت گر بر تعاون، بخشی بنیادین از حوزه سیاسی-اجتماعی اندیشه و اخلاق سیاسی در نگرش اسلامی را تشکیل می‌دهد و عملیاتی کردن آن، جامعه اسلامی را یاری می‌دهد، تا بر بعضی از بحرانها غالب آید که تعدادی از کارکردهای آن در این نوشته بررسی گردید.

بخش مهمی از همکاری، با یاری‌خواهی از دیگران برای مقابله با ستمکاران است، در قرآن کریم، داستان استمداد یکی از پیروان موسی (ع) در درگیری با یکی از دشمنان را بیان می‌کند که آن شخص از حضرت، طلب یاری کرد. (قصص، ۱۵). در کلامی علی (ع) تاکید دارد که «طلب تعاون» برپا کردن حق، نشان دیانت و امانت است: «طَلَبُ التَّعَاوُنِ عَلَيَّ إِقَامَةُ الْحَقِّ دِيَانَةٌ وَأَمَانَةٌ.» (اللیثی الواسطی، ۱۳۷۶: ۳۱۹). به نظر می‌رسد که این مهم باید در پژوهشی جداگانه، کاویده شود.

نکته مهم آن است که در نگرش مادی، تعاون و سازمان‌های برآمده از آن، ابزاری برای رسیدن به سود بیشتر است و گرد هم آمدن و به دیگر یاری دادن، بهانه‌ای است که فرد بتواند، سود خود را دوچندان کند یا آنکه به دیگری یاری می‌دهد تا شاید آن فرد در شرایط اضطراری به کمکش بیاید، یعنی عقل محاسبه‌گر در فهم فرد از تعاون، نقش بازی می‌کند و همه او را با حساب سرانگشتی و محاسبه‌گرانه می‌سنجد، اما در نگرش اسلامی، تعاون و همکاری، خیرخواهانه، به انگیزه‌های اخلاقی-معنوی انجام می‌شود و فرد داوطلبانه

و از روی اشتیاق به دیگران یاری می‌رساند، از دیگران انتظاری ندارد، وظیفه اخلاقی و شرعی خود می‌داند تا به برادر دینی خود یاری رساند.

زمانی فرهنگ سیاسی مطلوب در جامعه اسلامی حاکم می‌شود که در کنار عوامل دیگر، اخلاق سیاسی نقشی بارز بازی کند. اگر یکی از عناصر مهم فرهنگ سیاسی، به روابط عاطفی میان شهروندان بستگی دارد، یا اگر تعاملات قدرت و مردم برخاسته از اعتماد متقابل یا مهرورزی، همیاری و همکاری است، همه این موارد با اخلاق، سامان می‌گیرند.

یکی از دغدغه‌ها و چالش‌های نظام‌های سیاسی در ارتباط با شهروندان، ایجاد و افزایش اعتماد متقابل به عنوان بزرگترین سرمایه اجتماعی است، امری که در روابط امروزین قدرت با همه حساسیتی که دارد، کمیاب است؛ به نظر می‌رسد که این سرمایه با همیاری سیاسی-اجتماعی شهروندان و دولت اسلامی افزایش می‌یابد. احساس این که دولتمردی با همه جان و توان خویش در خدمت شهروندان است، علاوه بر آن که اعتماد متقابل مردم و حاکمیت را افزایش می‌دهد، آنان را انگیزه‌ای دوچندان می‌بخشد تا برای غلبه بر مشکلات، به او یاری رسانند.

## منابع

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) نهج البلاغه.
- ۳) ابن منظور (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت: دار الفکر، سوم، جلد ۱۳ و ۱۴ و ۱۰.
- ۴) احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹). مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، قم: دارالحدیث، چاپ اول، جلد ۲.
- ۵) ازهری، محمدبن احمد، (۱۳۸۲). تهذیب اللغة، تهران: نشر صادق؛ جلد ۱۳.
- ۶) ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۷۴). خدا و انسان در قرآن، ترجمه: احمد آرام، تهران: نشر فرهنگ.
- ۷) آراسته‌خو، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ اصطلاحات علمی-اجتماعی، تهران: چاپخش.
- ۸) تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد (۱۴۱۰). غررالحکم و دررالکلم، قم: دارالکتب الاسلامی، چاپ دوم.
- ۹) جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰). صحاح العربیة، بیروت: دارالعلم، چاپ اول، جلد ۶.
- ۱۰) حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم.
- ۱۱) حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع)، چاپ اول، جلد ۱۲ و ۱۶.
- ۱۲) حسینی زبیدی، سیدمحمد مرتضی (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر للطباعة، چاپ اول، جلد ۱۳.
- ۱۳) خبرگزاری ایسنا، ۱۳/۳/۱۳۹۹، کد خبر: ۹۹۰۳۱۳۰۷۹۹۰
- ۱۴) خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳/۴/۱۳۹۹، کد خبر: ۸۳۸۴۰۹۰۷
- ۱۵) خبرگزاری مهر، ۲۴/۴/۱۳۹۹، کد خبر ۴۹۴۷۹۹۸
- ۱۶) خبرگزاری مهر، ۳۱/۳/۱۳۹۹؛ کد خبر ۴۹۵۳۱۷۸
- ۱۷) دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید.
- ۱۸) راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالعلم، چاپ اول.
- ۱۹) سوزنگر، سیروس (۱۳۸۳). اندیشه‌های سیاسی سیدقطب، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۲۰) سیدباقری، سیدکاظم (۱۳۹۲). «راهبردهای عدالت سیاسی از منظر قرآن کریم»، فصلنامه سیاست متعالیه، دوره ۱، ش ۲، (صفحات ۷ تا ۲۸)
- ۲۱) سیدقطب (۱۳۷۹). عدالت اجتماعی در اسلام، ترجمه محمدعلی گرامی و سیدهادی خسروشاهی، تهران: انتشارات کلبه شروق، چاپ ۲۵.



- ۲۲) طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، جلد ۱۲ و ۴.
- ۲۳) طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، جلد ۶.
- ۲۴) علی بن موسی الرضا (ع) (۱۴۰۶). الفقه المنسوب الی الامام الرضا علیه السلام، مشهد: مؤسسه آل البيت علیه السلام، چاپ اول.
- ۲۵) فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). کتاب العین، قم: نشر هجرت، دوم، جلد ۲ و ۷.
- ۲۶) فولادوند، عزت الله (۱۳۸۵). «مفهوم شر در فلسفه هانا آرنه»، فصلنامه بخارا، شماره ۵۸، صص ۴۶ - ۲۷.
- ۲۷) کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، جلد ۲.
- ۲۸) کوئن، بروس (۱۳۸۷). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه: غلام عباس توسلی، تهران: سمت، ۱۳۸۷، چاپ بیست و یکم.
- ۲۹) کاشفی سبزواری، حسین بن علی (۱۳۶۹). مواهب علیه تحقیق: سید محمد رضا جلالی نائینی؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال.
- ۳۰) اللیثی الواسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ، قم: دارالحدیث، چاپ اول.
- ۳۱) مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، جلد ۷۱.
- ۳۲) مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۸). اخلاق در قرآن، نگارش و تحقیق: محمد حسین اسکندری، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، جلد ۳.
- ۳۳) مصطفوی، سید حسن (۱۴۰۲). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز کتاب لترجمه و النشر، چاپ اول، جلد ۱۰.
- ۳۴) مطهری، مرتضی (۱۳۹۶). جامعه و تاریخ، تهران: انتشارات صدرا، چاپ سی و سوم.
- ۳۵) مظفر، محمد رضا (۱۳۷۵). اصول الفقه، قم: نشر اسماعیلیان، چاپ پنجم، جلد ۱.
- ۳۶) مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). دایره المعارف فقه مقارن؛ قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع).
- ۳۷) مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۲). اخلاق در قرآن، قم: مؤسسه الامام علی بن ابیطالب علیه السلام، جلد ۳.
- ۳۸) ملکیان، مصطفی (۱۳۹۴). حدیث آرزومندی، تهران: نشر نگاه معاصر، چاپ اول.
- ۳۹) ملکیان، مصطفی (۱۳۹۵). اخلاق کاربردی، <https://cgie.org.ir/fa/news/140999>

۴۰) نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع)، چاپ اول، جلد ۹.

41) Seeger, M. W.; Sellnow, T. L.; Ulmer, R. R. (1998). "Communication, organization and crisis". New York: Communication Yearbook, no. 21